

سرقت

۱- تصرف

قانون مصوبه ۱۹۱۶ با اقتباس از قانون عرفی تصرف مال بطریق حتمی تحقق سرقت دانسته پس اگر بمصرف نسبت نمی نغظی نشود سرقتی نسبت بآن واقع نگردیده است -
بر این تشخیص گناه سرقت با تشخیص باین که معنی تصرف چه و چه وقت تصرف تخطی می شود مهمتر است .

برای تحقق گناه سرقت باید در تصرف شیئی تغییری حاصل شود باین معنی که مال مورد دعوی سرقت حقیقتاً در حیطه اقتدار سارق واقع گردد پس اگر کسی از عقب سر گذرند دیگر را که کیف پولش بدان آویزان است با چاقو ببرد و کیف با کمر بند بزمین بیفتد و قبل از برداشتن کیف از زمین دستگیر شود برای آنکه تصرف واقعی در کیف نموده است بگناه سرقت قابل تعقیب نیست ولی اگر شخصی که کمر بند را میبرد در موقع بردن کیف را در دست بگیرد ولو آنکه پس از بریده شدن کمر بند کیف بزمین بیفتد و نتواند تصرف بیشتری بکند تغییری تصرف حاصل شده است .

تصرف سارق باید بمیل و رغبت باشد .
در سال ۱۹۱۵ محبوسی که باو دست بند زده شده بود از دست نگهبان خود فرار کرد . پس از دستگیری برای سرقت دست بند هم مورد تعقیب قرار گرفت ولی دادگاه با این استدلال که متهم بمیل و رغبت دست بند را تصرف نکرده ارزا از گناه سرقت تبرئه کرد .
ممکن است سارق بوسیله قلبی شیئی را بدست آورده و متصرف شود .

اگر شیئی مورد تعقیب واقع شدند - خلاصه اتهام این بود که یکی از متهمین خود را نوکر متهم دیگر معرفی و با داداشتی بیکی از مغازه های جوراب بافی نوشته است که چند جفت جوراب برای فروش بمنزل اربابش بفرستند . شاگرد جوراب باف شش جفت جوراب بمحل اقامت تعیین شده از طرف نوکر برد و پس از آنکه بارها ساختگی معرفی شده و قیمت جورابها را نیز گفته است ارباب سفارشات فوری دیگری نیز میدهد و شاگرد مغازه شش جفت جوراب را بدون اینکه معامله قطعی نسبت بانها بکند شخصاً بصندلی آویزان نمود . و برای بردن اشیاء سفارشی دیگر از منزل خارج میشود که متهمین فوراً پس از رفتن مشارالیه از آن منزل خارج گردیده و جورابها را اگر گذاشته بودند .

دادگاه باین استدلال که کلیه رفتار متهمین میرساند که با قصد فعلی درصدد تصرف نامشروعی بوده اند آنها را بگناه سرقت محکوم نمود .

ممکن است بوسیله عمل معصومانه از ناحیه یکی از کسان مالک عنصر تصرف از ناحیه سارق بوجود آید .

در سال ۱۸۲۶ شخصی بانهم سرقت يك اسب مورد تعقیب قرار گرفت . تفصیل ارتکاب این بود که متهم در روز جمعه باقار باصطبلی که اسب های متعدد باشخاص مختلف در آنجا بسته شده بود مراجعه و بمهتر دستور میدهد که اسب او را زین کند و بعد از آنکه مهتر جواب میدهد که اسبش را نمیشناسد با اشاره بیکی از اسبها میگوید که آن اسب منست مهتر هم اسب را زین کرده و در حیاط نیز بواسطه رم کردن در نتیجه صدای موزیک متهم توانسته سوار شده بمحله دسته داده که اسب انحصاراً بآوردن او قبل

در سال ۱۷۷۲ ده نفر بانهم سرقت شش عدد جوراب

مُصوبه ۱۸۸۲ که بموجب قانون مُصوبه ۱۹۱۶ اصلاح شده است هر کدام از زوجین برای سرقت مال متعلق بیکدیگر قابل تعقیب بوده بشرط آنکه :

اولاً در تاریخ وقوع سرقت مشترکاً زندگانی نکرده باشند .

ثانیاً دارائی یکی از آنها بنحوی بشخص خودش اختصاص داده شده باشد که برساند زوجین زندگانی بایکدیگر را خاتمه داده اند .

اما اگر در حین تعقیب جزائی زن باشوهر مشارالیها مجدداً شروع زندگانی مشترک بنمایند تعقیب جزائی خود بخود موقوف خواهد گردید .

زن مادامی که قصد زندگانی مشترک باشوهر را دارد بموجب قانون مُصوبه ۱۹۱۶ برای تصرف در اموال متعلق بشوهر مصون از تعقیب بگناه سرقت بوده و حتی اگر زن از منزلی که باشوهر خود زندگی مینماید با بردن مقداری اثاثیه متعلق بشوهر غایب شده ولی قصد مراجعت واسترداد اشیاء را داشته باشد بجهت آنکه منظورش محروم کردن دائمی شوهر از آن مال نیست بگناه سرقت قابل تعقیب نمیشود .

لزوم جلوگیری از عملیات متقلبانه خدمه نسبت باموالی که بمناسبت شغلشان بآنها سپرده شده بود ایجاب نمود که هیئت قضائیه "تغییر تصرف" را تفسیر کرده و حتی چنین استدلال کردند که بدون تغییر تصرف مادی ممکن است با فرض حقوقی تغییر تصرف نسبت بشیئی حاصل شود و بنا بر این در مواردی با وجود تصرف مادی تصرف معنوی هم قائل گردیدند مثلاً با وجود آنکه آشپز اثاثیه آشپز خانه را و یا چوپان گله متعلق بارباش را مادناً در تصرف دارد معنأ مالک اثاثیه و یا گله را متصرف بوده و مشارالیه را از نظر حقوقی متصرف معنوی قانونی شناختند - همچنین اثاثیه روی میز های مهمانخانهها در صورتیکه عملاً در تصرف مشتریان است قانوناً مالک مهمانخانه متصرف معنوی شناخته شده است .

در مواردیکه نسبت بشیئی هم تصرف مادی وجود دارد و هم تصرف معنوی واقعاً نمیتوان گفت کسی که مادناً تصرف آن اشیاء را دارد قانوناً متصرف بوده و بلکه باید گفت

از آنکه موفق بسوار شدن شود دستگیر میگردد .

وکیل مدافع عقیده داشت که چون اسب در تحت اختیار مهتر بوده و اساساً بتصرف متهم نیامده است عنصر تصرف از ناحیه سارق بوجود نیامده تا مشارالیه بگناه سرقت قابل تعقیب باشد .

دادستان اظهار نظر کرد که متهم با قصد سرقت سبب اقدام مهتر به بیرون آوردن اسب شده و پس از رم کردن اسب از صدای موزیک بمهتر دستور داده است که آنرا بخیبان ببرد و چون مهتر بنا بدستور متهم اقدام کرده عنصر تصرف از ناحیه سارق بوجود آمده است گرچه این عقیده منطبق بود ولی وکیل مدافع با دفاع باینکه متهم مست بوده و در اثر مستی اسب را اشتهاً نشان داده است هیئت منصفه را با برائت متهم موافق نمود .

اشکال تشخیص در اموال مشترک بین زن و شوهر بیشتر بوده بطوری که لازم است کاملاً از نظر فنی مورد بحث قرار گیرد .

زن کسی است که با شوهر خود توأماً زندگی کرده و تصرف از ناحیه مشارالیها در حکم تصرف از طرف شوهر میباشد بنا بر این اگر زن قسمتی از دارائی شوهر را بخود اختصاص دهد ولو آنکه زانیه باشد بموجب قانون به گناه سرقت قابل تعقیب نبوده و در این مورد نمیتوان گفت واقعاً تغییری در تصرف شیئی حاصل شده است .

اگر زن زانیه با پول متعلق بشوهرش مسافرت کرده و در حین مسافرت بمردی که با او رابطه نامشروع دارد از آن پول بدهد از نظر آنکه اساساً اطلاق مال مسروقه بیولی که زن از شوهر برداشته نمی شود آنمرد بگناه سرقت قابل تعقیب نیست .

اما اگر مردیکه بازن شوهر دار رابطه نامشروع دارد مشارالیها را در بردن اشیاء متعلق بشوهر کمک و معاونت کند چون در این مورد اشیاء را شخصاً از تصرف شوهر خارج کرده مرتکب سرقت شده است .

بموجب قانون مربوطه بدارائی زنان شوهر دار

اشیاء در تحت حفاظت خود و سرپرستی او گذاشته شده است بنا براین اگر کسی از حق حفاظت خود نسبت بمالی تجاوز کرده و تصرف بیشتری در آن نماید مرتکب سرقت شده است مثلاً اگر چوپان گوسفندی از کسله تحویلی خود بدون اجازه مالک بفروشد با استعمال مال امانی بِنفع شخصی با امانت خود خانه داده و تصرف تازه در آن نموده که نمیتوان گفت معنأً تغییر تصرفی در شیئی حاصل شده و سرقت تحقق پیدا کرده است.

صرف نظر از روابط مابین خادم و مخدوم موارد دیگری دیده میشود که تصرف مادی کاملاً متمایز از تصرف معنوی بوده و بنا بر این تحویل داری که مال تحویلی را بِنفع خود تصاحب میکند عمل او بمنزله تصرف جدیدی بوده و در حکم این است که قبلاً مال مورد دعوی را در تصرف نداشته و بگناه سرقت قابل تعقیب است.

اگر کسی جامه دان خود را برای حمل به هتل بیابری داده و خود او نیز برای مراقبت همراه باربر حرکت کند و یا خانمی جلو گیشه بکسی که بلیط فروش نزدیک تر است برای خریدن بلیط بول دهد و باربر و یا شخصی که بول باو داده شده فرار کنند مشار البه ما از نظر آنکه صاحب جامه دان و بایول هنوز نسبت بمال خود تصرف معنوی دارد مرتکب سرقت شده اند.

همچنین اگر مسافری در موقع سوار شدن بدرشکه جامه دان خود را روی طاق آن بگذارد در شکچی متصرف معنوی جامه دان شناخته نشده و بنا براین اگر مسافر در موقع پیاده شدن جامه دان را جا بگذارد و در شکچی آن را متصرف گردد مشارالیه حتی بموجب قانون عرفی بگناه سرقت قابل تعقیب است.

در خصوص خدمه تذکر داده میشود که اگر اموالی از طرف شخص ثالثی برای تحویل بمخدوم بخادم سپرده شده مشارالیه تا موقعیکه آن اموال را با رباب خود رد نکرده متصرف قانونی شناخته شده و نمیتوان در این مورد قبل از تحویل از طرف خادم تصرف معنوی برای مخدوم قائل شد پس اگر خادم قبل از تحویل بمخدوم اموالی را که از طرف شخص ثالث برای دادن بمخدومش باو سپرده شده تصاحب نماید مرتکب سرقت نشده و اساساً این عمل تا سال ۱۷۹۹ جرم شناخته نمیشد ولی در آن سال عمل مزبور جرم و بنام «دستبرد» شناخته شده است.

بنا بتعریف فوق سرقت در مورد اشیائی تحقق پیدا می کند که خادم از مخدوم خود گرفته و دستبرد در مورد اموالی که خادم از دیگری برای تحویل بمخدوم گرفته است.

نام نام

محمود ولی زاده انصاری